



Meter in Poetry: A New Theory, N. Fabb & M. Halle, Cambridge, 2008, 297

وزن شعر: یک تئوری جدید، نایجل فب (و) موریس هله، ۲۰۰۸

ندا موسوی^۱

فب و هله در کتاب «وزن شعر: یک تئوری جدید» نظریه نوینی را بنیان می‌نهند که به نظریه تکرار^۱ موسوم است. نظریه آنها در ادامه تحقیقات وزن‌شناسان زایشی قرار دارد اما از جهاتی با آنان متفاوت است. نظریه وزن‌شناسی زایشی در راستای مطرح شدن نظریه زبان‌شناسی زایشی و دستور جهانی توسط هله و کیسر (۱۹۶۹) و (۱۹۷۱) ارائه شد. پس از آن کیپارسکی (۱۹۷۷) «نظریه درختی» را در مورد تکیه مطرح کرد. سپس لیبرمن و پرینس (۱۹۷۷) «نظریه شبکه‌ای» را در مورد تکیه مطرح کردند، بروس هیز (۱۹۸۳) «نظریه شبکه‌ی وزنی» را بسط داد و با تبیین قواعد وزن شعر انگلیسی، تحلیل دقیق‌تری از وزن شعر انگلیسی ارائه داد. هیز (۱۹۸۸) همچنین به بررسی رابطه‌ای که بین وزن‌شناسی و واج‌شناسی وجود دارد پرداخته است. به زعم وی وزن‌شناسی رابطه تنگاتنگی با واج‌شناسی دارد. ایدساردی (۱۹۹۲) و ایدساردی و هله (۱۹۹۵) برای نخستین بار به طرح قواعد تکرار در توصیف وزن شعر پرداختند. نظریه پارامتری کیپارسکی (۱۹۹۶) و نظریه تکرار فب و هله (۲۰۰۸) نیز از دیگر نظریه‌های جدید هستند که از سوی زبان‌شناسان در حوزه وزن شعر مطرح شده‌اند.

نکته حائز اهمیت در مورد تفاوت رویکرد فب و هله در نظریه تکرار با دیگر وزن‌شناسان زایشی در این است که آنان بر خلاف روند تطور نظریات وزن‌شناسی زایشی که به سوی طرح نظریاتی محدودیت‌بنیاد پیش می‌رفت، نظریه‌ای قاعده‌بنیاد ارائه کرده‌اند.

رویکردهای زایشی در پی طرح چارچوبهایی انتزاعی برای توصیف داده‌های زبانی هستند. در اینجا نیز شاهد طرح نظریه‌ای هستیم که نگاهی انتزاعی به ساختار وزن در شعر دارد. کتاب از یازده فصل تشکیل شده است و تلاش فب و هله همانند دیگر محققان حوزهٔ وزن‌شناسی زایشی بر آن بوده است تا با ارائهٔ داده‌های مختلف از زبانهای گوناگون امکان به کار بردن ساختاری انتزاعی برای توصیف اوزان شعری را ارائه دهند. ساختاری که به شبکه‌های وزنی^۱ معروف است.

فب و هله در فصل نخست کتاب به معرفی و توصیف شبکه‌های وزنی، چگونگی ساخت شبکه‌ها و همینطور تعیین هستهٔ وزنی مصراع در شبکه‌های وزنی می‌پردازند. فصل‌های دو تا نه کتاب به کاربرت نظریهٔ ارائه شده در زبانهای انگلیسی (دوفصل)، رومیایی، فرانسوی، یونانی، عربی کلاسیک، سانسکریت و لاتویایی اختصاص دارد. فصل ده نگاهی کلی به اوزان شعری زبانهای جهان دارد و در فصل یازده هم وزن شعر عهد عتیق بررسی شده است.

فب و هله شعر را یکی از صورت‌های هنر زبانی می‌دانند که در تمام زبانها و در تمام دورانها وجود داشته است. به عقیدهٔ آنان آنچه مشخصهٔ اصلی شعر نسبت به نثر است آن است که شعر از مصراع^۲ تشکیل شده است. هجا، کلمه، عبارت، بند و جمله هم در نثر و هم در شعر وجود دارند اما تنها شعر است که مصراع دارد. بنابراین سازماندهی متن به مصراعهاست که مشخصهٔ شعر در تمام زبانها و سنتهای ادبی محسوب می‌شود. روشن است که در این تعریف اشعار موزون مورد نظر بوده و به اشعار غیرموزون و شعر آزاد پرداخته نمی‌شود. توجه به این نکته لازم است که هر توالی دلخواهی از صداها و کلمه‌ها منجر به تشکیل مصراع نمی‌شود. برای آنکه توالی هجاها و کلمه‌ها منجر به تشکیل مصراع شود باید مجموعه‌ای از شرایط برآورده شود که این شرایط در اشعار مختلف متفاوتند.

فب و هله در نظریهٔ تکرار برآنند که ساختاری انتزاعی برای بازنمود وزن در اشعار زبانهای مختلف ارائه دهند. نظریهٔ تکرار چند ادعای کلی را مطرح می‌کند. ادعای اصلی این نظریه آن

^۱. Metrical Grid

^۲. Line

است که هر مصراع خوش ساخت در یک شعر موزون فقط از واج‌ها و هجاهایی که تلفظ آن را مشخص می‌کنند تشکیل نشده است، بلکه شامل یک شبکهٔ وزنی نیز هست که این شبکهٔ وزنی الگویی است که اگرچه تلفظ نمی‌شود اما ادراک مجموعه‌ای از هجاها به عنوان مصراعی از یک شعر موزون را تعیین می‌کند. ادعای دیگر این نظریه آن است که هر شبکه‌ای خروجی^۱ یک فرایند محاسباتی^۲ است که ورودی^۳ آن خود زنجیره‌ای از هجاهاست که مصراع شعر را می‌سازند. یعنی چنین نیست که شبکه از پیش ساخته شده و سپس به مصراع الحاق شود، بلکه زایش آن به صورت مجزا و از تک‌تک مصراع‌ها صورت می‌گیرد. سومین ادعای نظریه این است که فرایند محاسباتی شامل مجموعه‌ای رتبه‌بندی شده از قواعد است که از یک مجموعهٔ محدود از قواعد انتخاب شده‌اند. چهارمین و آخرین ادعای نظریهٔ تکرار این است که یک مصراع شعر از لحاظ وزنی خوش ساخت است اگر و تنها اگر هجاهای سازندهٔ آن با مجموعه‌ای از شرایط منطبق باشند.

فب و هله برای بازنمود وزن در مصراعها از خطوط شبکه استفاده می‌کنند. برای هر مصراع سه تا چهار خط شبکه وجود دارد. تعداد اندک این خطوط شبکه گویای آن است که تعداد هجاها در مصراعها نمی‌تواند از یک حدی بیشتر باشد. به ازای هر هجای مصراع، یک ستاره به خط شبکهٔ صفر فرافکن می‌شود. ستاره‌های خط شبکهٔ صفر در گروه‌هایی دوتایی یا سه‌تایی دسته‌بندی می‌شوند. این گروه‌ها همان پایه‌های وزنی^۴ شعر هستند که تعداد اعضای آنها و همینطور جایگاه هسته در آنها در زبانهای مختلف متفاوت است. هستهٔ هر گروه به خط شبکهٔ یک فرافکن می‌شود. این هسته‌ها غالباً هجاهای برجسته^۵ هستند. تعریف هجای برجسته در زبانهای مختلف متفاوت است. در برخی زبانها هجاهای حامل تکیهٔ واژگانی، هجای برجسته هستند. اما در زبانهای کمی تعریف هجای برجسته به وزن هجا و مقولهٔ کمیّت مربوط می‌شود و در زبانهای نواختی نیز به نوع نواخت هجا بستگی دارد. نکتهٔ مهم این است که الزاماً تمام هجاهای برجسته به خط شبکهٔ بعدی فرافکن نمی‌شوند و همینطور تمام هجاهای فرافکن شده هجای برجسته نیستند. نوع پایه‌های وزنی در یک زبان خاص بر تعیین هستهٔ گروه‌ها موثر است. در خط شبکهٔ یک هم ستاره‌های فرافکن شده در گروه‌های دوتایی یا سه‌تایی دسته‌بندی می‌شوند. این گروه‌ها

1. Output

2. Computation

3. Input

4. Foot

5. Maxima

همان ارکان یا شطرها^۱ را تشکیل می‌دهند. روند فرافکنی هسته گروه‌ها باز هم ادامه می‌یابد و هسته‌ها به خط شبکه دو فرافکن می‌شوند. در اینجا نیز گروه‌های دوتایی یا سه‌تایی تشکیل می‌شوند که نیم مصراعهای^۲ شعر را می‌سازند. هسته این گروه به خط شبکه سه فرافکن می‌شود. قاعده بر این است که در آخرین خط شبکه باید تنها یک ستاره داشته باشیم که همان هسته وزنی مصراع است. فب و هله بین اوزان سالم^۳ و اوزان لنگ^۴ تمایز می‌گذارند. در اوزان سالم فاصله میان هجاهای برجسته در مصراع یکسان است و همینطور مصراعهای مختلف یک شعر تعداد هجاهای مساوی دارند اما در اوزان لنگ چنین نیست.

فب و هله توصیفی از امکان به کاربردن نظریه تکرار در وزن عروضی فارسی ارائه نکرده‌اند. امکان تبیین ویژگی‌های وزن عروضی فارسی بر مبنای نظریه تکرار از موضوعات مهمی است که می‌تواند مورد نظر قرار گیرد. وزن عروضی فارسی شباهت زیادی به وزن عروضی عربی دارد اما عناصر تشکیل دهنده آن متفاوت است. در شعر عروضی عربی از ویژگی‌های سبب و وتد در گروه‌بندی ستاره‌ها در خط شبکه صفر استفاده شده است. اما سبب و وتد مقوله‌هایی برای توصیف عروض فارسی نیستند و باید پایه‌های وزنی خاص شعر عروضی فارسی در تشکیل گروه‌های خط شبکه صفر مد نظر قرار گیرد. همینطور در اشعار کمی‌ای که در این کتاب مورد نظر قرار گرفته‌اند (مانند عربی و یونانی) هر هجا تنها بر یک کمیّت منطبق است. یعنی یک هجا یا کوتاه است یا بلند. اما در اشعار عروضی فارسی ما با سه نوع وزن هجا مواجه‌ایم: کوتاه، بلند و کشیده.^۵ از آنجا که در نظریه تکرار، برای هر هجا، یک کمیّت در نظر گرفته‌اند و به ازای آن یک ستاره در خط شبکه صفر قرار داده‌اند بنابراین برای انطباق این نظریه با داده‌های وزن شعر عروضی فارسی باید خوانشی را در نظر داشته باشیم که در آن هجاهای کشیده را به دو هجای بلند و کوتاه تقسیم می‌کنند.

^۱. Metron

^۲. Cola

^۳. Strict

^۴. Loose

^۵. توجه به این نکته لازم است که در مورد اشعار عربی، هجای کشیده در میان بیت قرار نمی‌گیرد. در پایان بیت نیز برخی محققان وزن شعر عربی، آن را به عنوان هجای بلند در نظر می‌گیرند.

منابع

- Fabb, N. and Halle, M., (2008), *Meter in Poetry; A new theory*, Cambridge. Cambridge University Press.
- Halle, M. & Keyser, S. J. (1969). *Chaucer and the study of prosody*. *College English* 28: 187-219
- Halle, M. & Keyser, S. J. (1971). *English stress: its form, its growth, and its role in verse*. New York: Harper & Row.
- Halle, Morris and Idsardi, William J. (1995) *General Properties of Stress and Metrical Structure*. In John Goldsmith (editor) *A Handbook of Phonological Theory*. Oxford: Blackwells, 403 - 443. Also in Eric Ristad (editor) *Language Computations*. New York: AMS Press, 37 - 73.
- Hayes Bruce, (1983), "A grid-based theory of English meter," *Linguistic Inquiry* 14, 357-393.
- Hayes Bruce, (1988), "Metrics and phonological theory", in Frederick Newmeyer, ed., *Linguistics: The Cambridge Survey*. Cambridge: Cambridge University Press, 220-249
- Idsardi, William J. (1992) *The Computation of Prosody*, MIT Ph.D. dissertation, distributed by MIT Working Papers in Linguistics.
- Kiparsky Paul and Kristin Hanson, (1996), *A Theory of Metrical Choice*. *Language* 72:287-335.
- Kiparsky Paul, (1977), *The Rhythmic Structure of English Verse*. *Linguistic Inquiry* 8, pp. 189-247.
- Lieberman Mark and Alan Prince (1977), *on stress and linguistic rhythm*, *Linguistic Inquiry* Volum & Number 2, 249-336.